



عبدالواسع غفاری

قانون و قانونیت

دروان برک کارمل الی سقوط رژیم داکتر نجیب الله

وحدت دوباره جناح های خلق و پرچم
از جدی ۱۳۵۸ الی ثور ۱۳۷۱ هجری

بخش نهم

قسمت اول

تحول ثور ۱۳۵۷، جنگ سرد را شدت بخشید، طرفین جنگ جهت حفظ منافع خویش قوانین بین المللی را زیر پا نمودند، از جمله جنگ تحمیلی را با تقویه مالی و نظامی فوندامیتالیزم اسلامی، فراهم نمودن زمینه تجمع متعصبین دینی و مذهبی تحت نام جهاد در خاک پاکستان، ایجاد کمپهای نظامی در سرحدات افغانستان، ایجاد و پرورش سازمان تروریستی القاعده که تاحال جهان در آتش آن میسوزد، با تنظیمهای جهادی و سایر اعمال خلاف موازین حقوقی را مرتکب گردیدند.

همکاری نزدیک ایران و پاکستان با آمریکا، احتمال سقوط حکومت افغانستان، به خصوص تندروی گروه حفیظ الند امین که باعث کشتار هزاران هموطن ما بشمول نورمحمد تره کی رهبر جناح خلق حزب دموکراتیک خلق افغانستان گردید، تهدید سرحدات جنوبی اتحاد شوروی، بخصوص جمهوریهای مسلمان نشین و منطقه، و سایر عوامل سبب گردید تا اتحاد شوروی بخاطر حفظ منافع خویش، تقاضاهای متواتر قبلی (تره کی، امین) را بهانه قرار داده، بنام کمکهای انترناسیونالیستی قوای نظامی خود را در افغانستان پیاده نماید. چنانچه جارج آر نی در صفحه ۱۰۵ اثر خود بنام افغانستان گذرگاه کشورگشایان مینویسد: (آماده گی برای عملیات نظامی در پشتیبانی از رژیم خلقی از سال ۱۹۷۹ به این طرف جریان داشت. در پایان ماه نوامبر نیروهای نظامی

شوروی در حال آماده باش کامل برای مداخله قرار داشتند...). همچنان فراهم نمودن زمینه وحدت جناح خلق طرفداران تره کی و جناح پرچم را، که اضافه از دوهزارو پنجصد عضو جناح پرچم را حکومت تره کی امین بقتل رسانید و هزاران عضو دیگر آن حزب در زندانهای مرکز ولایات بسمیرا شدند.

ببرک کارمل مجبور گردید که به خاطر جلوگیری از سقوط کشور، تسلط فوندا میتالیزم اسلامی ایجاد شده توسط دول غربی بکمک پاکستان، و زنده ماندن سایر اعضای جناح پرچم که در زندانهای امین به حالت رقتبار بسمیرا شدند، باشاخه جناح خلق طرفداران تره کی وحدت نماید.

شوروی بانظر داشت پلان فوق، در تحقق تطبیق پلان تنظیم شده خویش سرعت عمل بخشید، و باحمله ناگهانی غند کومانو که قبلا وارد کابل شده بودند، حکومت امین را سقوط داد. و حکومت جدید که متشکل از دو جناح حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود، بقدرت رسید.

حکومت جدید که از یک وحدت تاکتیکی دو جناح حزب که شکل واقعی و ارگانیک را نداشت، تشکیل شد. با آنکه اختلافات در بین رهبری و صفوف هر دو جناح وجود داشت، حکومت جدید رعایت قانون را در کشور هدف خویش قرار داد، تا بتواند نظم و امنیت را در جامعه تحقق بخشد. در مرحله نخست زندانیان سیاسی رژیم امین را بدون هیچگونه تبعیض سیاسی رها نمود، مثال عمده آن عبدالرب رسول سیاف و صدها تن تند روان اسلامی دیگر بود. سیاف بعدر هائی زندان، به همکاری استخبارات پاکستان و گروپهای افراطی عربی تنظیم اتحاد اسلامی را ایجاد نموده، و مذهب و هابیت را که قاتل هزاران انسان میباشد، در وطنما ترویج داد، رهبری آنرا بدوش گرفت، همین تنظیم بود که در جنگهای تنظیمی واقع منطقه کوه سنگی شهر کابل، مردم ملیت هزاره را در چنگهای قصابی آویزان نموده و در کله شان میخ را کوبیدند.

دولت نظر به ضرورت زمان، جهت جلوگیری ترور، قتل، کشتار، چور و چپاول، تخریب و سایر جنایات، ارگان استخبارات را در شکل و محتوا تغییر داد، و به اداره خدمات اطلاعات دولتی مسما نمود. یکی از اهداف این ارگان کار و فعالیت جهت کشف و حثی ساختن اعمال غیر انسانی مخالفین وطن و مردم در پهلوی ارگانهای اردو و پولیس بود. تشکیلات آن در مرکز و ولایات کشور توسعه داد. بانظر داشت تجربه تلخ از اعمال غیر قانونی و تجاوز به حقوق اتباع کشور توسط ادارات (اگسا و کام)، کارمندان مجرب دارای دانش حقوق، از ادارات حقوقی، پولیس، قضا و اعضای حزب را در بخش های مختلف توظیف، و آنان را متوجه مکلفیتهای قانونی شان در مقابل مردم و وطن نمود.

جهت ایجاد نظم و قانون، اصول اساسی جمهوری دیموکراتیک افغانستان در ده فصل که متشکل از ۶۸ ماده بود، بتاريخ ۲۵ حمل ۱۳۵۹ توسط شورای انقلابی به تصویب رسانید. دولت جدید اساسات حقوقی رژیم را چنین طرح نمود: - به نمایندگی از مردم مسلمان زحمتکش افغانستان. - به اساس اراده واقعی و منافع کارگران، دهقانان،

کسبه کاران، کوچیان، روشنفکران و سایر زحمتکشان و نیروهای دموکراتیک و وطن پرست، تمام ملیتها، اقوام و قبایل کشور. - با احترام عمیق و رعایت جدی به عنعنات تاریخی، فرهنگی و دینی مردم شرافتمند افغانستان. - با پیروی قاطعانه از دین اسلام. - با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر. - با پیروی از سیاست صلح جویانه، دوستی و همکاری با تمام خلقهای منطقه و جهان. - به منظور دفاع از استقلال ملی و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و نظام مردمی جمهوری دموکراتیک افغانستان. - به منظور تحکیم وحدت و برادری و اتحاد خلقها و تمام ملیتها، اقوام و قبایل ساکن در وطن واحد مان افغانستان. - به منظور انکشاف پیروزمند انقلاب ملی دموکراتیک ثور و تحقق اهداف و آرمانهای آن مبنی بر ایجاد جامعه نوین صلح و کار، آزادی و عدالت، برادری و برابری دموکراسی و ترقی... تصویب نمود.

اصول و پایه های حقوقی نظام دولتی را تهاداب گذاری نمود. بر اساس مقدمه اصول اساسی، شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه عالیترین اورگان (مقام)، قدرت دولتی الی تصویب قانون اساسی توسط لویه جرگه معرفی گردید.

اصول اساسی که حیثت قانون اساسی موقت را داشت، شکل حکومت، قوه قضائیه و قوه مقننه (شورای انقلابی) را تثبیت نموده. حقوق و آزادیهای مردم، مکلفیت دولت در مقابل مردم، رعایت و احترام عقاید مذهبی و غیره آزادیها اتباع کشور را تضمین نموده بود. چون نظام جدید مولود قیام مسلحانه هفت ثور ۱۳۵۷ بود. در فاصله زمان تا ششم جدی ۱۳۵۸ جنگ داخلی و مداخلات خارجی در کشور ما جریان داشت. ورژیم جدید هم به اساس وحدت دوجریان سیاسی و پیاده شدن قوای شوروی بوجود آمد، مجبور شد تا جهت ایجاد فضای امن و جلوگیری از جنگ و تجاوزات داخلی و خارجی شکل نیمه نظامی داشته باشد. تا بتواند در مقابل توطئه ها از داخل و خارج مقابله نماید. همان بود که در کشور سیستم یک حزبی را ایجاد نمود، دولت و جامعه توسط یک حزب رهبری میگردید. حزب در پهلوی دولت در مرکز، ولایات، شهرها و قصبات نقش کنترل کننده غیر مستقیم را داشتند. هر عضو حزب منحصبت مسئولیت حزبی، در مقابل تخلفات و قانون شکنیها، بدون در نظر داشت موقف و مقام، موضوع رابه مراجع مربوطه، بخصوص به کمیته حزبی اطلاع میداد، سپس از آن طریق اجراءات صورت میگرفت.

گرچه سیستم یک حزب سیاسی در جامعه نمیتواند دموکراسی واقعی را تحقق بخشد. اما شرایط آن زمان ایجاب مینمود: - اولاً اینکه رژیم جدید توسط یک حزب به قدرت رسید. - ثانیاً شرایط جنگی و مداخلات داخلی دول مختلف در امور کشور، فعالیتهای مشترک تندروان اسلامی و گروپهای چپ افراطی علیه دولت، ضرورت به مبارزه مشترک رهبری حزبی و دولتی داشت.

باهمه معضلات جنگ تحمیلی و مداخلات مستقیم و غیرمستقیم کشورهای همسایه ،
دول غربی، کشورهای عربی، چین و تعداد کشورهای دیگر، و در راس امریکا،
رهبری دولت با داشتن اراده تطبیق قانون، در جهت حاکمیت قانون اقدامات عملی
و جدی اتخاذ نمود. ابتداء ارگان خاد راتحت ریاست دوکتورنجیب اللد ایجاد، و فعالیت
هایش را در بخشهای ملکی، پولیس و اردو طبق قانون تنظیم و وسعت داد.

اوایل سال ۱۳۵۹ دولت جهت تطبیق قانون و نظارت از اجرات اورگانهای کشف و
تحقیق خاد و رعایت حقوق مظنونین، متهمین و مجرمین در مراحل مختلف ، شامل
(نظارخانه، توقیفخانه و محابس) و فیصله های محاکم، ارگان خارنوالی اختصاصی را
ایجاد نمود. طبق قانون صلاحیت آن ارگان عبارت بود از: نظارت قانونی بر ارگانهای
کشف و تحقیق جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، بررسی دوسیه های آنان، و
در صورت موجودیت اسناد و دلایل کافی الزام، دوسیه های شان را به محکمه محول
مینمود. و علاوه بر تحقیق و تعقیب جرایم کار مندان خاد، خارنوالی و محکمه اختصاصی،
و تعقیب آن به محکمه. این ارگانها جدا از تشکیلات خاد، تحت اثر ریاست شورای
انقلابی ایفای وظیفه مینمودند.

دولت با داشتن از تجارب از ادارات رژیم قبلی بخصوص استخبارات زمان تره کی و
امین (کام و اکسا) تصمیم اتخاذ نمود تا جلو خود کامه گیهای کارمندان دولت بالاخص
ارگان خاد گرفته شود. با تاسیس ارگان خاد، بخصوص بعد از حادثه سوم حوت ۱۳۵۸
رهبری حزب جهت ایجاد نظم و جلوگیری از ورود مخالفین رژیم در ارگانهای امنیتی،
یکتعداد اعضای حزب را به آن ارگانها معرفی نمود. در جمله یکتعداد حقوق دانان از
وزارت عدلیه، ستره محکمه و وزارت داخله که شامل صاحبمنصبان پولیس و رزیده
بودند، کارمندان مدیر عمومی تحقیق زمان امین در وظیفه اش بودند ، و استنطاق تا
حدودی به همان شیوه قبلی صورت میگرفت. در دیوارهای اطاقهای تحقیق لکه های
خون دیده میشد. تیلفونهای که توسط آن متهمین را برق میدادند، در اطاقهای تحقیق وجود
داشت و کوب بملاحظه میرسید. معاون جدید تحقیق که بعداً مسئولیت تحقیق خاد
را بدوش گرفت، با آغاز وظیفه به همکاری کادرهای حقوقدان و باتجربه، شکل و میتود
تحقیق ظالمانه قبلی را از بین برد، و تحقیق به شیوه انسانی و قانونی را تحقق بخشید.
گرچه در اوایل تاسیس نسبت عدم دانش حقوقی و بلدیت بعضی کارمندان به قوانین
کشور، بعضاً نواقص و تخلفات قانونی در انجام کارهای شان وجود داشت. اما به مرور
زمان به اثر توجه رهبری دولت، رهبری اورگان خاد، و نقش خارنوالی اختصاصی در
تنویر روحیه حقوقی کارمندان خاد، توضیح حقوق، مکلفیتهای و صلاحیت های آنان ، در
ایجاد نظم و رعایت قانون در کشور، موثر واقع شد. کارمندان خاد دانستند که در صورت
ارتکاب عمل خلاف قانون، بدون نظر داشت موقف شان تحت پیگرد قانونی قرار می
گیرند. چون هدف دولت ایجاد نظم و قانون بود، تلاشهای پرثمر در زمینه انجام داد.

در رابطه موجودیت مشاورین روسی در ادارات دولتی و نقش آنان در پیروسی تطبیق و رعایت قانون را باید متذکر شد که: با پیاده شدن قوای شوروی در کشور ما که دلایل آن طور مختصر فوقاً ارائه گردید، شوروی بانظر داشت منافع خود، متخصصین خویش را جهت ارائه مشوره، تربیت کادرها در بخشهای مختلف دولت، بخصوص بخش امنیتی، که آنکشور در جنگ مستقیم با مخالفین خود ورژیم قرار داشتند، توظیف نمود. با آنکه اکثراً درک عمیق و همه جانبه از عنعنات و کلتور جامعه افغانی نداشتند، اما در بخشهای مربوطه، تا حدودی قوانین نافذ کشور را مطالعه نموده و در مشوره های خویش، صرف احکام قانون را در نظر میداشتند، اما با تذکر اینکه قانون جزا و سایر قوانین مربوطه در شرایط امن تصویب شده بود، مگر تطبیق دگم قانون بدون در نظر داشت شرایط زمان و حالات جرم، مانع تحقق عدالت میگردد. طور مثال شخصیکه در مناطق ناامن زنده گی میکرد، مجبور بود که جهت ادامه زنده گی خود و فامیل خویش به مخالفین دولت جزیه بدهد و کارت عضویت آن گروپ را داشته باشد. طبق ماده ۲۲۱ و ۲۲۲ قانون جزا، این عمل آنان جرم بود، مشاورین مجبوریتهای آنان را کمتر درک میکردند، چنانکه چنین اشخاص دستگیر میشدند، مشوره آنان طبق قانون، باید دوسیه آنان تکمیل و بعد از طی مراحل قانونی محول محکمه شود. اما ارگان خارنوالی با درک انگیزه چنین جرایم، متهمین را طبق ماده ۳۸ قانون کشف و تحقیق...رها میکردند. با آنهم مشوره های آنان تا حدود نقش مثبت در تحقق قانون داشت. اما معضله دیگر نقش مشاورین در ادارات دولتی بشمول ارگانهای امنیتی داشت، اختلافات جناحی حزب (خلق و پرچم) بود که در بین مشاورین نیز سرایت کرده بود. مشاور وزیر، روسا، جنرالان و قوماندان خلقی، طبق نظر همان مسولین، و مشاورین پرچمی ها، هم همان شکل عمل میکردند، گرچه در سطح رهبری دولت بعضاً معضلات را بوجود میآورد، اما دولتمردان با نظر داشت اراده تطبیق قانون در زمینه رفع معضلات، عاقلانه و طبق قانون عمل میکردند. بعضاً واقعاتی بوقوع پیوست، که مشاورین به سطح دولتمردان نسبت تخلف از قانون دستگیر و طبق قوانین کشورشان مجازات گردیدند، که میتوان از قضیه رجب اوف مشاور وزارت عدلیه و شورای انقلابی یادآورش.

با ایجاد ارگانهای عدلی و قضائی، یکتعداد متهمین کشتارهای زمان تره کی، امین دستگیر و بعد از تحقیق و بررسی طبق قانون به اشد مجازات و حبسهای مختلف محکوم گردیدند. دولت در شرایط جنگ جهت رعایت قانون داشت، قانون موقت عملیات تصفیوی را تصویب نمود. طور مثال: سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ فعالیت مخالفین علیه دولت در اکثر شهرها به همکاری استخبارات پاکستان و متحدین بین المللی شان که شامل ترور، تخریب زیر بناهای اقتصادی کشور، ادارات دولتی، پلها، سرکها، راکت پرائنها بالای محلات مسکونی و غیره، بیشتر شده بود. چنانکه از یک منطقه بر مناطق مسکونی حملات صورت میگرفت، یا مخالفین دولت جهت فعالیتهای ضد دولتی تجمع میکردند، یا حالات خاص دیگر، قوای امنیتی اطراف منطقه را محاصره نموده، مخالفین دولت و مظنونین را دستگیر میکرد. جهت رعایت حقوق اتباع کشور (اینکه مجرمی رها نگردد و بیگناه اذیت نشود)، طبق قانون متذکره اشخاصیکه در عملیاتهای تصفیوی دستگیر میگرددند. در محلات تجمع یا نظارتخانه های موقت نگهداری گردیده، طی ده روز تحقیقات ابتدائی شان تکمیل و خارنوال موظف تصمیم بررهائی

ویا جهت اكمال تحقيق به ارگانهای تحقيق قرارخویش را صادر می‌کند. در حالات خاص جهت بدست آوردن معلومات کافی الی دوماه بعد از اخذ اجازه توقیف از خارنوالی مظنون می‌توانست تحت نظارت باشند. تا تحقیقات متهم تکمیل، و در زمینه قانوناً تصمیم اتخاذ گردد.

ارگانهای امنیتی بصورت عموم شامل بخشای اردو، پولیس و خاد بود. وظایف شان توسط قانون تنظیم و مشخص شده بود. و ارگانهای عدلی متشکل از خارنوالیهای (ملکی یالوی خارنوال، اختصاصی و قوای مسلح) و محاکم (ستره محکمه، اختصاصی و قوای مسلح) بود. که تشکیلات و وظایف و صلاحیتهای هر کدام توسط قانون تنظیم شده بود. طور مثال شیوه گرفتاری ارگانهای کشف و تحقیق طبق حکم قانون کشف و تحقیق، بصورت مختصر عبارت بود از:

- به اساس پروژہ اگنتوری، که شخص مظنون بصورت متواتر تحت تعقیب بوده پیش از اینکه اقدام به انجام عمل جرمی نماید. با اسناد و مدارک جرمی گرفتار می‌گردید. در ابتدا نسبت بی تجربه گی بدون اینکه به اصطلاح پروژہ تکمیل شود، مظنون و یا مظنونین گرفتار می‌گردید. اما عدم دلایل کافی الزام، بعد از مدت کوتاه از طرف خارنوالی، شخص مظنون رها و بعضاً به ارگان کشف کننده، رسماً تحریر می‌گردید، یک شکل مجازات اداری بود. به مرور زمان کار ارگانهای کشف دقیق گردید، متهمین را با اسناد و دلایل کافی الزام دستگیر مینمودند. در پروسه تحقیق مدارک ذیل مهم و عمدہ بود. متهمین در کدام حالات، با کدام آلات و وسایل جرمی دستگیر میشدند، بالفعل در اثنای اجرای عمل جرمی و یا به اساس سایر مدارک و شواهد معتبر، محضر گرفتاری و شهود حتمی بود. ولی جرایم مشهود ازین امر مستثنی بود.

- مرحله تحقیق: تحقیقات ابتدائی در ارگانهای کشف صورت می‌گرفت که طبق ماده ۱۸ قانون کشف و طی ده روز به ارگان تحقیق و یاریاست تحقیق خاد ارسال می‌گردید. ارگان تحقیق طبق ماده فقرات ۱ الی ۴ - ماده ۱۵ و ماده ۳۲ قانون کشف و تحقیق دوسیه متهم را تکمیل و به خارنوالی ارجاع مینمود.

- طبق مواد ۳۸ الی ۴۳ قانون کشف و تحقیق و قانون اجرات جزائی، ارگان خارنوالی بعد از مواصالت دوسیه، قرارخویش را مبنی بر حفظ دوسیه و رهائی متهم و یا احاله دوسیه مبنی بر مسئولیت متهم به محکمه مربوطه احاله مینمود.

- محکمه برویت اسناد، اعترافات متهم، شهود و سایر مدارک با حضور داشت متهم و استماع اظهارات متهم حاضر در جلسه قضائی با اینکه چند روز قبل صورت دعوی خارنوال برای متهم داده میشد. حکم خویش را طبق قوانین جاریه کشور صادر مینمود. در اوایل فیصله های محکمه اختصاصی یک مرحله ای بود، ولی بعداً دو مرحله گردید که در صورت عدم قناعت متهم و یا خارنوال موظف دوسیه جهت فیصله نهائی به محکمه دوم راجع می‌گردید. در فیصله های اشد مجازات، جهت اتخاذ تصمیم نهائی دوسیه به مقام ریاست دولت ارسال می‌گردید. شعبه حقوقی ریاست دولت بعد از مطالعه

اسناد دوسیه و تصامیم خارنوالی و محکمه، تصمیم نهائی که طبق قانون از صلاحیت های رئیس دولت بود اتخاذ میگردد.

- بر علاوه کمیسیون دیگری در مقام ریاست دولت جهت تحقق بهتر قانونیت تشکیل شده بود که مرکب از نماینده گان ارگانهای امنیتی، عدلی، قضائی و ارگانهاییکه تماس نزدیک تر با مردم داشتند، از قبیل وزارت شئون اسلامی، اقوام و قبایل و بعضی سازمان های اجتماعی دیگر بود. بصورت عموم ماهانه جلسه نموده و به معضلات حقوقی، عفو و تخفیف مجازات مجرمین و سایر پروبلمهای مربوطه تصامیم لازم اتخاذ مینمود. جهت معلومات بیشتر شیوه کار نظارت بر تطبیق قانون در ارگانهای کشف و تحقیق خاد، و محابس مربوط که توسط ارگان خارنوالی اختصاصی صورت میگرفت:

- طبق قانون کشف و تحقیق، نظارت خارنوالی عبارت است از نظارت عالی که بنام دولت به منظور تطبیق دقیق و یکسان قوانین حین بررسی جرایم بر ارگانهای کشف و تحقیق اجرا میگردد. مطابق ماده ۴۱ قانون کشف و تحقیق و مواد قانون اجراء جزائی، نظارت بر قانون، وظیفه خارنوال بود. لذا خارنوال اختصاصی طبق پلان قبلاً ترتیب شده، هفته چند مرتبه از اجراء ارگانهای کشف و تحقیق خاد مستقیماً نظارت بعمل می آورد. و از نزدیک با مظنونین و متهمین ملاقات نموده بر علاوه یکه از قانونی بودن توقیف متهمین نظارت میکرد، وضع معیشتی، برخورد مستنطقین و مسئولین نظارتخانه و سایر مشکلات آنها جویا میگردد. هرگاه شکایتی موجود میبود اقدام به بررسی آن میکرد. طور مثال اگر کدام متهم مورد لت و کوب قرار میگرفت، خارنوال نظرداکتر را مبنی بر لت و کوب متهم اخذ مینمود. خارنوال موظف راپور نظارتی راطور تحریری ارائه میکرد. هرگاه در امور یومیه خلا و نواقص وجود میداشت. مسئول بخش نظارت خارنوالی، در زمینه رفع تخلف، با مسئولین طبق قانون برخورد میکرد. و کارمند متخلف (مثلاً قضیه لت و کوب) را مورد تحقیق قرار داده، در صورت داشتن مسئولیت، کارمند مذکور تحت نظارت قرار میگرفت. طور مثال در قضیه لت و کوب در یکی از ریاستهای کشف، مستنطق توقیف، بعد از اكمال تحقیق، محکمه مستنطق رابه پنجسال حبس محکوم نمود، و رئیس ارگان تادیباً به یکی از ولایات تبدیل گردید. بهمین شکل دهها قضیه دیگر که شامل لت و کوب، سئو استفاده از وظیفه، قتل، سرقت، اختلاس و غیره جرایم بوده. مجرمین آن طبق قانون به حبسهای مختلف و اعدام محکوم شدند. لذا کارمندان خاد با درک مسئولیتهای قانونی خود و ترس از قانون، وظایف خویش را انجام میدادند.

علاوه تا بصورت غیر مستقیم ریاست امور سیاسی خاد در همه ریاستها و جزو تام ها اعمال کارمندان خاد را کنترل میکرد. و هم در داخل تشکیلات خاد، اداره دیگری بنام ریاست سوم ایجاد شده بود، که وظیفه عمده اش را کنترل و نظارت اجراء، فعالیتها و اعمال کارمندان خاد تشکیل میداد. (استخبارات در داخل استخبارت) تا از یکطرف جلونفوذ دشمن در ارگان خاد گرفته شود و از جانب دیگر اعمال خلاف قانون کارمندان خاد را کشف و جهت تحقیق به خارنوالی اختصاصی معرفی دارد.

چون ارگان خاد نقش عمده در کشف، دستگیری و تحقیق دشمنان مردم و وطنما در سطح داخل و خارج کشور داشت، بر علاوه ترور و جنایت، در جهت بدنامی ارگان خاد به سطح ملی و بین المللی تبلیغات نموده و ذهنیت مردم و جهانیان را علیه آن ارگان، تغییر میدادند. بخصوص که رهبران ویا اعضای آن گروهها بنا بر اعمال تروریستی، تخریبی و سایر جنایات که مثالهای آنرا طور مختصر ذیلاً ارائه مینمایم، در آن زمان طبق قانون مجازات گردیدند. فعلاً در همه جا بخاطر انتقام گیری، با سروصدا براه انداخته، خود را بیگناه، و دولت آنوقت را متهم به قانون شکنی و کشتار محکوم مینمایند، و به اساس تهمت زنیها و تحریف حقایق، ذهنیت بعضی مردم ما و حتی مسئولین کشور هالند را تغییر داده، فعلاً مسئولین دولت هالند بدون درک واقعیت، به راپورهای جعلیکه توسط همین اشخاص ویا اشخاص دیگر تهیه شده، در قسمت کارمندان امنیتی بخصوص ارگان خاد که در خدمت مردم و در جنگ مستقیم با تروریستان و دشمنان مردم، ترقی و تمدن قرار داشتند، قضاوت غیر عادلانه نمود (قضیه اف یک). هرگاه مبارزه و تطبیق قانون علیه تروریستان و تندروان که روزانه مرتکب انواع قتل و جنایت شدند و میشوند، جنایت تلقی شود، پس فرق حضور قوای نظامی هالند در پهلوی ۴۸ کشور جهان در افغانستان، تحت نام مبارزه با تروریزم، با مبارزه دولت آن زمان افغانستان علیه تروریزم چی فرق دارد؟

قابل یادآوری است که حجم قضایا و گروههاییکه علیه دولت آنوقت فعالیت میکردند، بیشتر بود. بر علاوه هفت تنظیم در پاکستان، هشت تنظیم در ایران، گروههای ماوئیستی در داخل و خارج کشور که کمپهای تربیه اعمال چیریکی در کشور چین برای شان ایجاد شده بود. (تلک خرس اثر دگروال یوسف کارمند بخش افغانی استخبارات پاکستان) و علاوه بعضی ماوئیستها در تنظیمهای اسلامی طبق دستور رهبری شان در آن زمان که افشا نگردند، تحت عنوان رهبری غیبی فعالیت داشتند، تنظیم شده، و نفش خیلی فعال را در فعالیتهای تخریبی و تروریستی داشتند. به همین شکل نظارت بر تطبیق قانون در وزارتخانه ها و سایر ادارات ملکی توسط ارگان لوی خا رنوالی صورت میگرفت.

بعد از جدی ۱۳۵۸ گروههای بیشتر جهت فعالیتهای تروریستی و تخریبی ایجاد گردید. و هر لحظه قتل و ترور و حوادث بوقوع می پیوست، جهت روشن شدن ذهنیت شما چند مثال ارائه میدارم:

- حادثه سوم حوت سال ۱۳۵۸ که در شهر کابل بوقوع پیوست، یکتعداد هموطنان ما کشته و زخمی شده، بعضی ادارات دولتی حریق و به مراکز امنیتی تهاجم نمودند، سلاح و مهمات را چور و چپاول نمودند. در این حادثه گروه های مربوط به حرکت اسلامی، جمعیت اسلامی، حزب اسلامی و بعضی سازمان های دیگر نقش داشتند.

طور مثال حرکت اسلامی: بعد از وقوع حادثه سوم حوت ارگانهای امنیتی به گرفتاری حاملین واقعه در تمام نواحی شهر کابل اقدام نمود، از جمله شخصی را بنام قاسم مسکونه وزیر آباد کابل با تفنگچه، چند عدد بم زانوخمی ساخت شده توسط اعضای گروه پیش، البسه نظامی و اسناد تبلیغاتی، همراه باشخصی دیگری بنام حسین دستگیر نمود. نام

اصلی قاسم، براتعلی جعفری که از جمله تروریستان معروف حرکت اسلامی و مسئول شهر کابل بود. حسین که شخص قوی هیکل، وظیفه بادیگاردی قاسم را به عهده داشت قاسم (براتعلی) بعد از اینکه پدرش دوکان گلیم و جوال فروشی که در کوچه کاه فروشی شهر کابل داشت، در حادثه چن داول کابل، زمان امین با برادر خورد سالش دستگیر و به قتل رسیدند، موصوف به ایران فرار نموده و به گروپ حرکت اسلامی پیوست. چون جوان فعال و سخنگوئی خوب بود. بزودی موفق بهتر در سازمان مربوط کسب نمود.

در حین تحقیق برای براتعلی ماده دوصد قانون جزای کشور توضیح گردید که: هرگاه واقعیتها را بیان دارد در مجازاتش تخفیف بعمل میآید. همان بود از فعالیتهای سازمان، اعضای گروپ و فعالیتهای خودش در مرکز کابل، محل تماسهای شان که اکثرأ سماوار کلنگی در چن دوال شهر کابل بود، مسئولین فرهنگی و سایر بخشهار افشا نمود. چند نفر گروپش را باصدها بم دست زانوخمی، سلاحهای کلشنکوف که از حادثه سوم حوت غارت نموده بودند، تفنگچه های گازی، اسنادتشکیلاتی، وسایل نشراتی، کستهای رادیو کست قبلا ثبت شده برای تحریک احساسات مردم، بلندگوها، البسه نظامی ودها سند دیگر که آنرا در پهلوی چاه آب در یک منزلیکه توسط سازمان حرکت اسلامی کرایه گرفته شده بود، دفن نموده بودند بدست آمد. موصوف ضمن افشای اعضای گروپش، تربیت در کمپهای چریکی، رهنمائی و کمکهای دولت ایران در تحقیقات و مصاحبه مطبوعاتی که در اوایل سال ۱۳۵۹ در حضور ژورنالیستان داخلی و خارجی (کشورهای غربی و شرقی) در کابل دایر شد، معلومات مفصل ارائه داشت، به اساس اعترافات مذکور و همکاریانش یکتعداد اعضای مهم گروپ، دستگیر گردید. دولت از گرفتاری متعلمین آن سازمان خودداری کرد. همچنان ادارات عدلی و قضائی بانظر داشت احکام ماده ۲۰۰ قانون جزا با آنکه مرتکب جنایات متعدد و تخریبات شده بود، طبق قانون مجازات چنین جرایم اشد مجازات (اعدام) می باشد، به حبس دوام تخفیف داد.

- همچنان گروپهای دیگر مربوط حزب اسلامی، جمعیت اسلامی و سایر سازمانها که در مناطق مختلف شهر کابل، در حادثه سوم حوت مرتکب قتل اقدام، چور و چپاول، تخریب و حریق ملکیت های شخصی و دولتی شده بودند، طبق قانون تحقیقات شان تکمیل و بعد از طی مراحل قانونی به حبسهای مختلف محکوم گردیدند.

- بعد از حادثه سوم حوت در نقاط مختلف شهری کتعداد اعضای حزب و دولت توسط تروریستان که اغلبا چمپرسپاه چرمی و پطلون کوبای به تن داشتند، ترور میشدند. دولت و حزب جهت تامین امنیت بهتر و جلوگیری از ترور، گروپهای گز مه پیاده و سواره را افزان نمود. و دستور داد تا در صورت مشاهده چنین افراد، آنان را تلاشی بدنی نمایند. در نیمه دوم ماه حوت ۱۳۵۸ در منطقه مکرویان کهنه شهر کابل دو نفر گز مه ناحیه نهم حزبی، شخصی را با چمپرسپاه سیاه و پطلون کوبای دیدند و او را صدا زدند تا ایستاده شود. اما شخص مذکور سرعت رفتار خود را بیشتر نموده به دهلیز یک بلاک مکرویان اول دوید. گز مه امنیتی به عقب شخص مذکور دویده، موصوف به منزل اول بالاشده و سپس از بالای دروازه بلاک خود را به پائین پرتاب نموده، چون در پائین بلاک نفر دیگر

امنیتی ایستاده بود. اورا دستگیر وبه ناحیه نهم حزبی باخودبردند. در ناحیه نهم حزبی یکی از اعضای حزب اورا شناخت. وگفت که لالا تو اینجا چه میکنی، و برای رفقای خود اورا معرفی نمود، که مجید کلکانی است. بعداً مسئولین ناحیه حزبی موصوف را تلاشی نموده از نزد مجید کلکانی تفنگچه نوع استارجرمنی بدست آمد. چند روز بعد، اواخر ماه حوت ۱۳۵۸ اعضای سازمان ساما به سرگروپی معلم ستاربرسلاح کوت قطعه نظامی حسین کوت حمله چریکی نموده، بیش از یک هزار میل سلاحهای مختلف النوع ومهمات را غارت کردند.....

ادامه دارد

www.hoqooq.eu